

کاراکنز زن در کمی بیش از یک سده اخیر تاریخ ایران نقش پررنگ تری نسبت به قبل از آن دارد. «نسون» که حلقه مقفود و گمنام تاریخ و تاریخ‌نویسی در ایران و منطقه بوده اند، بنا به دلایلی از حدود صد سال گذشته مستقیم و غیرمستقیم منشأ رخدادهای عظیمی در عرصه تحولات سیاسی اجتماعی ایران می شوند.

حمایت از زن گرجی تازه مسلمان شده در برابر سفیر روس، جنبش توتون و تنباکو، جنبش مشروطه خواهی، حمله سیصد زن به مجلس دوم به جهت تهدید نمایندگان مجلس، پایکوت محصولات اروپایی (که روزنامه‌ها از این واقعه به‌عنوان «مردانگی زنان» یاد کردند) یا مسائل منفی و انحرافی چون مسأله بهائیت و نقش برجسته طاهره قرة العین و بهبه خانم، مسأله کشف حجاب رضاخانی و واقعه گوهرشاد و نهایتاً حضور برجسته زنان حتی زنان روستایی در فرایند به حاصل نشستن انقلاب اسلامی از جمله نقاط پر رنگ نقش آفرینی زنان است. این سابقه تاریخی و وجود یک‌سری ملاحظات مختص به این جنس در جامعه ایرانی، زن را برخلاف مرء، از صرف یک مشارکت‌کننده سیاسی و اجتماعی فراتر می برد. ما اکنون با پدیده‌ای مواجهیم که سعی می شود از آن نمادسازی

شود و از نظر جریان‌های رسانه‌ای بیگانه، از این جهت از ارزش افزوده بالایی برخوردار است. حرکتهای جسته و گریخته زنانه در بافت ایران، ذهنیتی مشتمل

بر منحصر به فرد بودن و خاص بودگی، اثرگذاری، جدی بودن و ریشه‌ای بودن زنان و اعتراضات برپا شده توسط آنان را القا می کند. زن در ایران کنونی تمام آنچه در بالا ذکر شد با خود به‌دنبال دارد یا این تفاوت که به حاشیه رفتن زیست سنتی، رواج فرهنگ مدرنیته و مناسبات آن بخصوص در کلانشهرها، اگر چه نقش مناسی به زن اعطا کرده، بخش عمده‌ای از منزلت سنتی پیشین را نیز از او منصل کرده است. این بخش فرهنگی ضمن ایجاد حسسی از به حاشیه‌رفتنگی و غیبت اجتماعی، زن را در صدد حرکتی هویت جویانه برمی انگیزد. حرکت کور به سمت مرام‌های فمینیستی و تشدید عطش مطالبات غیربومی که به وضوح هیچ ارتباطی با نیازهای یک زن ایرانی ندارد نیز منبعث از همین انگیزه هویت طلبی است. بدنه این جریان مانند غالب جریان‌های بورژوازی مابانه ایرانی، نه اینکه از حیث نگرش سیاسی در جبهه مقابل جریان انقلاب قرار بگیرد، بلکه بیشتر مشتمل بر افرادی («سیاست زدایی شده»)اند. عدم آگاهی از اتمسفر سیاست این بدنه را آماج برنامه‌ریزی‌های سیاسی جریانات دیگر می کند. این بهره‌برداري مغرضانه، البته در اغلب اوقات توانسته خود را به معرض نمایش بگذارد.

اگر نخواهیم به گذشته دور و درازی برویم، به ابتدایی‌ترین ادراک‌سازی رسانه‌ای از زن می‌توان زهرا رهنورد را مثال زد که در عمده سخنرانی‌های میرحسین موسوی در کنار او حاضر می شد و برای اولین بار صحنه‌ای از همراهی همسریک شخصیت برجسته سیاسی را به نمایش گذاشت. رسانه‌ها سعی کردند این عمل را نشانه نواندیشی الفا کنند. نمونه دیگر در اتفاقات آن سال‌ها مرگ مشکوک ندا آقاسلطان بود؛ آقا سلطان دختری بود که با انتشار کلیپ مشکوک هدف قرار گرفتن وی، به یکی از محرک‌ها در سال‌های ۸۸ تبدیل شد. اگر چه صحنه‌هایی از کشتارهای دردناک تری نیز در آن موسم به وقوع پیوست (برای نمونه هجمه به مردم عادی از سوی برخی آشوبگران یا زنده

سوزی نیروهای بسیج)، اما از نظر رسانه‌ها هیچ‌کدام اهمیت مورد مذکور را نداشت؛ این خود شاهد دیگری برای برجستگی مسأله زن و حساسیت موضوع از دید رسانه‌های بیگانه است. مرگ مشکوک «ندا آقاسلطان»

جدای از عاملیت و چگونگی آن، به هر طریق در مقطعی از این چهره برای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، برند ساخته بود. اگر چه هدف این جریان یعنی براندازی محقق نشد اما از آن به بعد، سعی کردند با بهره‌گیری از این برند، امکان حفظ خاطره جمعی بدنه اجتماعی خود و ایجاد یک محور برای اجتماعی دایر بر مدار این شخصیت را فراهم کنند. به نظر می رسد که از دید رسانه‌های بیگانه، یکی از تکنیک‌های مشابه و پرکاربرد در شورش‌های منطقه نیز همین مسأله، یعنی «زنان» باشد. استفاده از زن در صحنه‌سازی و تبلیغ و پروپاگاندا سابقه‌های طولانی در جهان دارد. منتها این مسأله در بستر این منطقه و به‌صورت خاص در ایران حائز یک‌سری تمایزات در خور تأمل است.

جنگال‌سازی رسانه‌ای دیگری که پیرامون زن انجام گرفت، راه انداختن کمپین‌هایی با موضوعیت زنان بود که در آنها از زنان ایرانی خواسته می شد حجاب خود را در مکان‌های عمومی بردارند. این دست حرکت‌ها به این دلیل که همزمان بود

با گسترش رسانه‌های اجتماعی و افزایش ضریب نفوذ اینترنت، نسبت به سایر حرکت‌های زنانه از برد رسانه‌ای بیشتری برخوردار بود و رسانه‌های بیگانه نیز سعی کردند با واژه پردازی، آن را حرکتی کاملاً زنانه القا کنند. در

حال حاضر نیز لیدر این جریان، به واسطه شبکه اجتماعی خود و با پردازش شبکه‌های ماهواره‌ای و حمایت‌های مالی دولت‌های غربی و امریکایی، جامعه زنان ایرانی را به شکستن آنچه که تا بوهای زن ستیزی نامد دعوت می کند که کلید واژه «دختران خیابان انقلاب» نمونه‌ای از اقدامات او و حامیانش است.

چگونه «زن» رسانه‌های بیگانه از

به‌عنوان ابزاری برای آشوب آفرینی سیاسی استفاده می کنند؟

پهنه تجمعات خیابانی در طول سال‌های اخیر و به مرور شاهد بازگرایی متمایز است؛ زن. هم حضور زن در تجمعات و هم سوزه‌پردازی رسانه‌ای پیرامون زن باعث شده تا مقوله تجمعات و جریان‌سازی رسانه‌ای از این مقوله وارد فاز جدیدی از پیچیدگی شود. با نگاهی گذرا به تجمعات شهری در ایران می‌توان دریافت که اغلب روندها و کلاک روندهای رسانه‌ای در نهایت یا به زن ختم می شوند یا جایگاهی کلیدی را برای وی درنظر می گیرند. اما دلیل استفاده مکرر از زنان به‌عنوان عامل پیش برنده مقاصد سیاسی چیست؟ توطنه کران چه مزیتی در این شیوه از ایجاد ناآرامی که زنان در آنها نقش پررنگی داشته باشند، می‌بینند؟ زمینه‌های بومی تأثیرگذاری این شیوه چیست؟ و در نهایت اینکه عکس‌العمل‌های بهینه نسبت به این رخداد از چه قرارند؟ در مباحث جامعه‌شناسی تغییرات مهم اجتماعی، نقش زنان بخصوص در دوران جدید حائز اهمیت مضاعف است. در سالیان اخیر و با افزایش حضور زنان ایرانی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی، هم‌زمان با تغییر سبک زندگی اجتماعی در ایران، «هویت زنانه» تا حدی دستخوش تغییرات فرهنگی شده است، که نتایج آن در عرصه‌های مختلف قابل رؤیت است. این تغییر و تحول در جایگاه اجتماعی جنس زن - که بخشی از آن به‌واسطه دیدگاه متعالی جمهوری اسلامی به زن شکل گرفته است و به‌نوعی یکی از نقاط قوت و از مزیت‌های نظام اسلامی است- از نظرگاه عناصر مخالف جمهوری اسلامی هم دور نبوده و به‌مثابه فرصتی طلایی برای سوءاستفاده از برخی جوانب آن به‌عنوان «تهدیدی» برای قلب ماهیت جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است. تلفیق «طره‌های براندازانه بر بستر مطالبات زنانه» یا به بیان دیگر، «تغییر اجتماعی زن محور» مورد توجه قرار گرفته است. جایگاه مهم زن در نظام دینی و سیاسی و دنبال کردن ایجاد جنبشی فمینیستی در میان زنان طبقه متوسط، امکانی را برای مخالفت‌های مذهبی و ساختاری در اختیار عناصر برانداز قرار می دهد.

زنان چهار دست و پا



ورود زنان به ورزشگاه مسأله‌ای است که رسانه‌های بیگانه سعی داشتند در سال‌های گذشته حتی بالاترین سطوح حقوقی و سیاسی و دینی کشور را نیز درگیر آن کنند. این موضوع که در داخل نیز تبدیل به بهانه خوبی برای جریان‌های شبه روشنفکری شده بود، در نهایت توانست با قربانی گرفتن در قالب اتفاقی تلخ که در آن دختری اقدام به خودسوزی کرده بود، مقاصد سیاسی و آشوب آفرینی اجتماعی خود را به پیش ببرد. عملیات روانی پیرامون کلیدواژه «دختر آبی» را بیشتر می‌توان در پس یک اتفاق برنامه‌ریزی نشده و در جهت بهره‌برداری از آن دانست و همین امر نشان‌دهنده سرعت عمل و انسجام در طراحی و اجرای آن توسط جبهه رسانه‌ای و معارض ایران دارد. این اتفاق بخوبی نشان داد که بهره‌برداری و صادرة رخدادهای مربوط به حوزه زنان از اولویت‌های دست‌اول رسانه‌های ضدانقلاب در طول سال‌های اخیر بوده است؛ حقیقت این موضوع به این تصور سیاستگذاران مخالفان خارج نشین بازمی‌گردد که زنان را باید به‌عنوان نیروی توانگر و پیشرو تغییر اجتماعی و سیاسی در ایران به حساب آورد. تصویری که مبنایش، جایگاه مهم زنان در حیات اجتماعی ایران است و با هدف پیشبرد مقاصد سیاسی، زن را به‌عنوان ابزاری می‌بیند.

جنگال سازی پیرامون ورود زنان به ورزشگاه

در اتفاقات دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸، اگرچه تجمعات خیابانی منحصر به زنان نبودند و ارتباطی هم با مسائل زنان نداشتند، اما مسأله لیدری زنان و سر دادن شعارهای خاص به واسطه آنان، توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی با نگاهی متفاوت‌تری دنبال می شد. بررسی‌ها نشان می دهد در تجمعات سال ۹۸ افراد آموزش دیده در گروه‌های ۵ تا ۷ نفره سازماندهی شده‌اند و بر خلاف اغتشاشات سال ۹۶ که زنان هدایت این گروه‌ها را بر عهده داشتند، این‌بار مردانی که اکثر آقوای جسمانی بالایی دارند در این «هسته‌های خشونت» نقش آفرینی می‌کنند. موارد کشف شده از این افراد نشان می دهد «هسته خشونت» در لایه اول به نارتجک دست‌ساز، ژل‌های آتش‌زا، ابزار شکستن قفل و سلاح سرد مجهز هستند که توسط یک یا چند موتورسوار مسلح با سلاح گرم در لایه دوم پشتیبانی می شوند، اما نکته جانب توجه آن است که در لایه سوم، زنان جوانی وظیفه تهییج مردم حاضر در میدان بویزه جوانان را بر عهده دارند که با هدف تحریک عواطف، آنها را برای پیوستن به اقدامات خرابکارانه تشویق می‌کردند؛ موضوعی که در تجمعات روزهای اخیر نیز مشاهده می‌شود و انتشار کلیپ‌ها و تصاویر کارگردانی شده از حضور زنان و نمادسازی درباره آن، شاهدی بر این مطلب است.

نمادسازی از زن به‌عنوان قهرمان تجمعات خیابانی

جامعه ایران یک جامعه با ارزش‌های اخلاقی حساس نسبت به زن است. زن در این جامعه موجودیتی محرم‌انتر و چهره‌ای آرام و بردبار است. حضور این جنس با تمام خصوصیتی که ذکر شد، باعث جلوه دادن شرایط به‌عنوان شرایط بسیار سخت و خاص (که حتی توانسته زن را با همه محدودیت‌های اجتماعی، ناچار به فریاد کند) و ایجاد یک بار روانی، فردی و اجتماعی بر مردان ساکت و بی‌کنش و در نتیجه تحریک آنان می‌شود. به همین منظور عموماً کلمه «بی‌غیرت» ضریاهنگ شعارهای گروه‌های زنانه علیه مردانی که آنها منفعل و ساکت می‌خوانند، بوده است. مردانه بودن نیروهای امنیتی و ایجاد تزلزل در آنها نیز دلیل دیگری بر این امر است؛ ایجاد سستی و رخنه در نیروهایی که خود را مسلح در برابر زنانی بی‌سلاح می‌بینند، می‌تواند از جمله دیگر اهداف مورد نظر رسانه‌های مذکور باشد.

ایجاد تزلزل در نیروهای امنیتی و دوگانه‌سازی جعلی از زن و مرد

تصاویر خبری حاکی از مبارزه یک مأمور باتوم به دست با یک دم‌چماق‌دار چندان ذهنیتی از انگاره جعلی ستمگری به نمایش نمی‌گذارد، اما تجربه نشان می‌دهد آنچه بیش از همه مخاطبان را آزرده می‌کند، دیدن زنان ضریب‌خورده، مجروح و کشته شده در این ناآرامی‌ها است. یکی از سناریوهایی که صحنه‌سازان آشوب‌های خیابانی دنبال می‌کنند، آن است که زنانی به صورت انتخاب شده و هدفمند، سعی در برانگیختن واکنش مأموران دارند؛ زنانی که بر اساس سناریوهایی از پیش تعیین شده و با هماهنگی افرادی دوربین به دست، به مقابله آشکار با مأموران می‌پردازند تا خوراک رسانه‌ای برای رسانه‌های بیگانه تهیه کنند. نباید از نظر دور داشت که به دلیل جایگاه مهم زن در جامعه ایرانی و حرمت آن، نسبت به زنان حساسیت امنیتی کمتری از سوی مأموران وجود دارد و به همین خاطر عمدتاً برای انجام عملیات میدانی از سوی جریان‌های خارجی، روی این قشر سرمایه‌گذاری بیشتری صورت می‌گیرد.

بالا بودن هزینه و فشار روانی برخورد سخت با زنان

ناباید از نظر دور داشت که گوی بهره‌برداری از زن و اساساً مقوله جاسوسی و خرابکاری، مختص یهود و جریان بهائیت در ایران است. تشریح تاریخ این جریان برای قشر نوجوان و جوان در کتب درسی یا به هر طریق دیگر مفید خواهد بود. پیگیری سیاست تحریک آشوب مدنی توسط دول سلطه‌گر و متخاصم علیه دولت‌های استقلال طلب منطقه در هر مرحله به اقتضای تجربه و آزمون‌ها با پختگی بیشتری دنبال می‌شود. بنیه این آشوب‌ها که به مرور گرانبار از عادات و نمادهای بومی شده است، در هر مرحله از رخداد از توان اثرگذاری بیشتری برخوردار می‌شود. در اثر این تکوین، اثر بخشی تجمعات جنبه‌ای چند بعدی پیدا می‌کند؛

کسب همراهی بین‌المللی و القای گزاره زن ستیزی در ایران برای دولت‌های خارجی

به نحوی که همواره منفعت نسبی دولت‌های مداخله‌گر بالا می‌رود، بدین معنا که حتی به فرض عدم وقوع تغییر اساسی در شاکله دولت هدف، تحول قابل ملاحظه‌ای در بافت عمومی و افکار مردمی و حتی بین‌المللی شکل می‌گیرد و این تغییر خود بستری برای یک گام به پیش نهادن دولت‌های متقابل در جهت احقاقک مطامع خویش است.

واکنش شدید رسانه‌های عراقی به کشته شدن دختر ۱۵ساله

گلوله امریکایی در قلب زینب

عصام هلاوات / در تمرین تیراندازی نظامیان امریکایی در منطقه «ابوغریب» در تاریخ ۲۸ شهریور یک دختر بچه عراقی به نام «زینب عصام ماجد الخزعلی» در پی اصابت گلوله کشته شد. به نوشته کانال صابرین نیوز، نظامیان امریکا در پایگاه «ویکتوریا» در غرب بغداد، در یک تمرین تیراندازی بی‌محابا اقدام به تیراندازی کردند که در این میان این دختر بچه در روستای «البوعلوان» مورد هدف یکی از تیرها قرار گرفت. اهالی می‌گویند که بارها از اینکه میدان تیر این پایگاه نظامی در نزدیکی روستایشان قرار گرفته به نهادهای مختلف و ارتش شکایت برده و نتیجه‌ای نگرفته‌اند. آنها می‌گویند که میدان تیر باید به دور از مناطق مسکونی باشد. به گفته اهالی پیش از این نیز چهار مرتبه سابقه اصابت تیر به مردم روستا وجود داشته است.

در همین زمینه، قیس الخزعلی از اعضای بلند پایه حشد الشعبی عراق و دبیرکل عصاب اهل الحق در بیانیه‌ای ضمن محکومیت کشتن دختر ۱۵ ساله عراقی خواستار ایجاد یک گروه حقیقت‌یاب توسط دولت و دستگاه قضائیه شده است. قیس الخزعلی گفت: اجرای تحقیقات فوری در مورد شهادت دختر ۱۵ ساله «زینب عصام» را که با تیرهای نیروهای امریکایی به شهادت رسید، مطالبه می‌کنیم و از دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی می‌خواهیم گزارش مفصلی به ملت عراق ارائه دهند که پیامدهای این حادثه بزنده را بازگو کند و توضیح دهد که چگونه یک پایگاه نظامی در مخالفتی آشکار با قانون اساسی و با نقض صریح حاکمیت عراق، در خاک کشور قرار دارد و چگونه می‌شود که به بهانه تمرین نظامی در میان مناطق مسکونی اقدام به تیراندازی می‌کند در حالی که موانع حفاظتی یا اماکنی خاص برای تمرین که از تیراندازی به‌خانه شهروندان جلوگیری کند وجود نداشته باشد.

برخی از نمایندگان پارلمان عراق، شخصیت‌های سیاسی و همچنین عشایر و عموم مردم عراق کشتن زینب عصام الخزعلی توسط نیروهای امریکایی را محکوم کردند و خواستار رسیدگی فوری این پرونده شدند.

به نقل از المیادین، فرماندهی عملیات بغداد از آغاز تحقیقات درباره مرگ یک دختر نوجوان در منطقه ابوغریب در غرب پایتخت عراق خبر داد. این در حالی است که منابع عراقی می‌گویند که این دختر نوجوان به ضرب گلوله نظامیان امریکایی کشته شده است. مرکز اطلاع‌رسانی امنیتی عراق در این خصوص گزارش داد: «زینب عصام ماجد الخزعلی» دختر نوجوان عراقی بر اثر تیراندازی تصادفی کشته شده است و مراجع ذریعاً که مسئول پیگیری این پرونده هستند، نتیجه تحقیقات را به محض روشن شدن به اطلاع افکار عمومی عراق خواهند رساند و اقدامات قانونی لازم را درباره هر کسی که ثابت شود در این حادثه دخیل بوده است، انجام می‌دهند.

در تاریخ بیستم اردیبهشت نیز نیروهای امریکایی مستقر در پایگاه الحریر در ۴۰ کیلومتری شمال شرق اربیل به سمت مناطق مسکونی و خودروهای غیرنظامی شلیک کردند که تلفاتی در پی نداشت. در آن زمان نیز ادعا شد که امریکایی‌ها در حین تمرین نظامی به اشتباه به سمت خانه‌های مسکونی شلیک کرده‌اند. البته این اولین و آخرین بار امریکایی‌ها نبوده و نخواهد بود. اشغالگران امریکایی از سال ۲۰۰۳ تا کنون به غیر از اشغال و غارت منابع طبیعی عراق موجب کشتار صدها هزار نفر عراقی شدند که کشتن دختر ۱۵ ساله عراقی را باید در همین راستا ارزیابی کرد.